

درب امام اصفهان

هدی خردمند

کارشناس تعمیر آثار باستانی

موقعیت بنا

مجموعه زیبای درب امام، تقریباً در وسط بافت قدیمی شهر اصفهان قرار دارد. این بنا از طرف شمال به سنبلستان، از جنوب به محله جماله و خیابان جمال‌الدین عبدالرزاق، از جانب مشرق به حمام وزیر و محله دردشت و از مغرب به تل عاشقان و دروازه نو محدود و متصل است.

ساختمان بنا به سال ۸۵۷ هجری قمری (۱۴۵۳ میلادی) در زمان پادشاهی جهانشاه قراقوینلو^۱ به فرمان جلال‌الدین صفراشاه^۲ انجام گرفته و آرامگاه دو امامزاده، ابراهیم بطحا و زین‌العابدین (ع) می‌باشد.

در مورد امامزاده زین‌العابدین (ع) صاحب میزان الانساب^۳ چنین می‌نویسد: «ابوالحسن زین‌العابدین علی‌بن نظام‌الدین احمد‌الایج‌بن شمس‌الدین عیسی الرومی‌بن جمال‌الدین محمدبن علی‌العریضی‌بن الامام الهمام جعفر الصادق علیه الصلوه و السلام که به چهار واسطه به حضرت صادق سلام الله علیه منتهی می‌شود و علی‌عریضی که جد او می‌باشد، همان علی‌بن جعفر می‌باشد که کتاب او در میان محدثین و فقها معروف است و اینجانب هم تمام آن را دیده‌ام و در اجازات خود روایت کرده‌ام و جمیع احادیث آن از برادر بزرگوارش حضرت امام موسی کاظم (ع) می‌باشد و این بزرگوار از اجلاً امامزادگان عظام می‌باشد و جلالت و وثاقت او متفق علیه می‌باشد و چهار امام را ملاقات کرده و ادراک فیض

صحبت ایشان را نموده، پدر بزرگوارش امام جعفر صادق (ع) برادر عالیقدرش و امام موسی کاظم و حضرت امام رضا و حضرت جواد سلام الله علیهم»^۴ و نیز در باره مدفونین در درب امام صاحب تذکره‌القبور^۴ چنین نوشته است:

«درب امام، مزار کثیرالبرکات امامزاده واجب‌التعظیم حضرت ابوالحسن زین‌العابدین علی‌بن نظام‌الدین احمدبن شمس‌الدین عیسی ملقب به رومی‌بن جمال‌الدین محمدبن علی‌العریضی‌بن الامام حضرت محمد الصادق علیهما السلام از بزرگان سادات و اجلاً محدثین بوده و در این محل مدفون شده است.

امامزاده ابراهیم طباطبایی و مادر امیرجهانشاه قراقوینلو در مجاورت امامزاده مدفون می‌باشند. ساختمان امامزاده از آثار باستانی اصفهان و مقبره از مزارات مشهور است. که مردم اهتمام در زیارت او دارند و محل نذورات و دعوات می‌باشد. درب امام جد سادات امامی اصفهان می‌باشد.»

نویسنده کتاب تاریخ اصفهان و ری^۵ مدفونین درب امام را چنین معرفی می‌کند:

«دو امامزاده، درب امام که یکی را امامزاده ابراهیم طباطبایی^۶ از نبیره‌های حسن مثنی و دیگری را سیدعلی ملقب به زین‌العابدین و اولاد علی‌بن جعفر عریضی می‌خوانند و این نسبت به محل



جدال و کشمکش با یکدیگر زدند، تا زمانی که صفویه ظهور کردند و اینان از صحنه سیاست در ایران غربی و آذربایجان و عراق و ارمنستان بودند.

مهمترین مسأله در حکومت قراقوینلو این است که آنها موجب و مسبب اصلی حرکت ترکها از آناتولی به ایران شدند. در عین حال نیز موجب حاکمیت مجدد عنصر ترکمن در ایران، و در ارتباط با آن موجب ترک شدن قطعی منطقه آذربایجان گردیدند و چنانکه از این گفته‌ها بر می‌آید زبان ترکی‌ای که آنها بدان تکلم می‌کردند مسلماً همان لهجه‌ای بود که امروزه به لهجه آذری یعنی لهجه غزه‌ای شرقی و ترکمن گفته می‌شود.

مهمترین امیر و فرمانروای سلسله قراقوینلو، جهانشاه بوده است که به لحاظ اهمیت دوران پادشاهی در ذیل به شرح حال وی می‌پردازیم:

جهانشاه قراقوینلو

جهانشاه، مشهورترین امرای قراقوینلو است، چه او مردی شاعر، هنردوست و با ذوق بوده و هم دولت قراقوینلو را به اوج عظمت و وسعت رسانده، چنانکه در سال ۸۴۴ هجری، گرجیان را مغلوب کرده و عراق عرب را از دست یکی از برادران خویش گرفته و در سال ۸۵۰ هجری بر عراق عجم و فارس و کرمان مستولی شد. و در ۸۶۲ هجری به عزم تسخیر هرات لشکر به آن سمت کشید. و بر آنجا نیز استیلا یافت. چند صباحی قسمت عظیمی از ایران و عراق را تحت یک اداره در آورده و قرین امن و آسایش نمود، اما بالاخره به دست حسن بیگ آق‌قوینلو از بین رفت.

از آثار نیک جهانشاه مسجد بسیار زیبایی است در تبریز به نام مسجد کبود.^۷ در باره خصایص ذوقی، ادبی و اخلاقی جهانشاه در مقاله‌ای که از کتاب «امیرنشین‌های آناتولی و دولتهای قراقوینلو و آق‌قوینلو» اقتباس شده است، چنین می‌خوانیم: «جهانشاه پسر قراپوسف، اشعاری با تخلص حقیقی می‌سرود و با عبدالرحمن جامی مکاتبه داشت. جلال الدین دوانی شاعر مشهور قبل از آنکه به خدمت آق‌قوینلوها در آید از منتسبین جهانشاه بود. و در تبریز در مدرسه وی به شغل تدریس اشتغال داشت.

دوانی رساله حروف را که اثری بود جهت استخراج احکام از حروف جفر (علم حروف) به نام جهانشاه قراقوینلو به فارسی

عریض است که یک وادی است بیرون مدینه، و جلو گنبد امامزاده مقبره است و گچ‌بری ممتازی و کاشیکاری فشنگی دارد. به دولت کم‌مدت امیرجهانشاه قراقوینلو در عراق زینت یافته است. گویند قیر مادر امیرجهانشاه در آن محل است که در کتیبه بیرون مقبره نام امیرجهانشاه را نوشته‌اند.

امیرجهانشاه خود در دیار بکر از امیرحسن بیگ آق‌قوینلو شکسته و به دست اسکندرنامی در تاریخ ۸۷۲ هجری کشته شده است»

آنچه مسلم است این بنا، یکی از زیباترین و کاملترین آثار تاریخی ایران در مجموعه معماری و کاشیکاری و طراحی و خطاطی است و نویسنده به خاطر اهمیت موضوع، بر آن شد تا نخست از لحاظ تاریخی به معرفی عصری که این بنا، در آن بنیانگذاری شده پردازد، آنگاه حتی‌المقدور در جزئیات مسایل فنی و هنری وارد شود.

عصر ترکمانان - ترکمانان قراقوینلو

چنانکه قبلاً گفته شد قدیم‌ترین قسمت درب امام که همانا قسمت اصلی بنای تاریخی آن می‌باشد یادگاری است از قرن نهم هجری و دوره ترکمانان.

این دوره یکی از ادوار مهم تاریخ ایران بعد از اسلام است و به نظر می‌رسد برای معرفی کامل بنا، اشاره‌ای ولو مختصر بدین قسمت از تاریخ ایران داشته باشیم. زیرا در جای کتیبه‌ها در باره بعضی از افراد مشهور این طایفه به نام و عنوان اشارتی می‌بینیم و ضمناً روشن می‌سازیم، بنایی به زیبایی درب امام در عهد کدام سلسله و در کدام عهد و توسط چه افرادی ساخته شده است.

ترکمانان که اصلاً از ترکان غز (اوغز)‌اند، به احتمال زیاد در زمان سلجوقیان به غرب ایران آمده و به تدریج به سوی ارمنستان و شمال عراق و آسیای صغیر، به پیش رانده‌اند حمله مغولان مدتی کوشش و زیاده‌طلبی آنان را متوقف ساخت. اما پس از ضعف این ایلخانان مغول، ترکمانان در نواحی غربی و شمال غربی ایران نیرو گرفتند. تیمور با مغلوب ساختن سلطان با یزید عثمانی که دشمن نیرومندی برای ترکمانان به شمار می‌رفت به آنان فرصتی تازه بخشید تا به ایجاد مراکز قدرت در این نواحی پردازند، سلسله‌های قراقوینلو و آق‌قوینلو بساط حکومت گسترده و ضمناً دست به

تألیف کرد.

شیخ شجاع‌الدین بن کمال‌الدین کرمانی از منتسبین شیخ مولانا قاسمی نیز اثر خود، حقیقة‌المعارف را پس از آنکه آن را در سال ۸۶۷ هجری قمری (۱۴۶۲ میلادی) تکمیل کرد و آن را شرح گلشن

*** صحن شمالی که از زیباترین صحن‌های سه گانه درب امام می‌باشد با پشت بغل‌های کاشیکاری تزیین شده است. در سمت غربی این صحن مسجد سعیدبن جبیر ۱۳ قرار دارد که دارای دری بسیار قدیمی است. صحن شرقی بنا نیز دارای پشت بغل‌های کاشیکاری و در ورودی فعلی در این صحن واقع است.**

راز نامید، به جهان‌شاه تقدیم داشت. شاعر مولانا طوسی نیز از منتسبین جهان‌شاه و پسرش شاه بوداق بود. پس از مرگ جهان‌شاه، که دوستدار شعر و موسیقی بود مبارزه بر سر تاج و تخت قراقوینلوها چندان به طول نیانجامید. استیلای اوزون حسن‌بیک، فرمانروای آق‌قوینلوها ابتدا بر آذربایجان و بعد بر تمام ایران و عراق، به فعالیت‌های فکری رونقی تازه بخشید.^۸

بنای تاریخی درب امام

بنای تاریخی درب امام دارای دو گنبد بزرگ و کوچک، دو سردر و سه صحن است.

هر دو گنبد از کاشی پوشیده شده که کاشیهای گنبد بزرگ بسیار نفیس است و اما تاریخ ساختمان دو گنبد بزرگ و کوچک متفاوت می‌باشد. گنبد بزرگ، مربوط به قرن نهم هجری است. که کاشیکاری آن در دوره سلطنت شاه عباس اول^۹ تعمیر شده و بانی این اقدام غیاث‌الدین محمد الحسینی‌المستوفی^{۱۰} بوده است و گنبد کوچک اواخر قرن یازدهم هجری در سال ۱۰۸۱ ساخته شده است. دو سردر آن یکی مربوط به دوره جهان‌شاه قراقوینلو به سال ۸۵۷ هجری دارای کاشیکاری بسیار نفیس بوده و از شاهکارهای تزیینات ایرانی است. که در ضلع شمالی مشرف به صحن شمالی

بنا است. و دارای کتیبه‌ای است که بخشی از آن به جای مانده و قسمت آخر کتیبه به کلی از میان رفته است.

در سمت شرقی این سردر، سردر دیگری وجود دارد که مربوط به دوره شاه‌سلطان حسین صفوی می‌باشد.^{۱۱} داخل گنبد بزرگ، ضریحی بر آرامگاه و امام‌زاده قرار دارد و زنجیری نفیس در قسمت ورودی حرم موجود است که شخصی به نام آقامحمدحسن تاجر همدانی در قرن سیزدهم هجری آن را وقف امام‌زاده نموده است.

بر حاشیه دایره برنجی زنجیر به خط نستعلیق نوشته شده: «وقف حضرت امام‌زاده زین‌العابدین نمود، عالیشان آقامحمدحسن تاجر همدانی این زنجیر را طمع کنند، به لعنت خدا و نفرین رسول گرفتار شود.

متن دایره برنجی زنجیر شامل اسماء‌الله است. «یا سلطان» «یا سبحان» «یا قاضی الحاجات» «یا مئان» و دارای تاریخ بیست و ششم شهر جمادی الاول سنه ۱۲۷۰ هجری قمری است.

داخل گنبد کوچک که اطاقی است به شکل مربع، قبر مادر جهان‌شاه قراقوینلو قرار دارد. سقف اطاق دارای مقرنس‌های گچی و طلاکاری است. دارای کتیبه‌ای در دو سطر به خط کوفی و ثلث است. صحن غربی درب امام، دارای پشت بغل‌های کاشیکاری می‌باشد و ایوانهای مشرف به این صحن دارای مقرنسهای زیبای گچی است.





یکی از پنجره‌های نفیس گچ‌بری این قسمت توسط اداره باستان‌شناسی اصفهان به قصر چهلستون انتقال داده شده و هم‌اکنون در موزه هنرستان هنرهای زیبای اصفهان قرار دارد.

در کتاب گنجینه آثار تاریخی ذکر شده است.^{۱۲} «...یکی از پنجره‌های نفیس گچ‌بری این قسمت (صحن غربی درب امام) که یقیناً نظیر آن در هیچیک از بناهای تاریخی کشور کهنسال ایران وجود ندارد و تمامی آن از گچ ریخته شده، با شیشه‌های رنگی تزیین شده است»

صحن شمالی که از زیباترین صحن‌های سه گانه درب امام است با پشت بغل‌های کاشیکاری تزیین شده، در سمت غربی این صحن مسجد سعیدبن جبیر^{۱۳} قرار دارد که دارای دری بسیار قدیمی است. صحن شرقی بنا نیز دارای پشت بغل‌های کاشیکاری و در ورودی فعلی در این صحن واقع است. در کتاب آثار ایران^{۱۴} چنین آمده است:

«بنای درب امام، ابتدا فقط شبستانی بود که روی آن گنبدی و جلو آن دهلیزی قرار داشت ساختمان آن در سال ۸۵۷ هجری قمری هنگام پادشاهی جهانشاه قراقویونلو به انجام رسید. بعداً قبور متعددی در اطراف مرقد امامزادگان احداث و به قدری عدّه آنها زیاد شد که دهلیز جلو بقعه نیز مدفن اموات گردید و در نتیجه ورود به داخل امامزاده از راه دهلیز موقوف و به جای در بنا، پنجره‌ای قرار دادند. گنبد کوچکی نیز روی رواق مزبور که بدین طریق جزو مقبره شده بود، ساخته شد. این تغییرات و تبدیلات در سال ۱۰۸۱ (۱۶۷۰م) هنگام پادشاهی شاه سلیمان^{۱۵} (۱۱۰۵-۱۰۷۷=۱۶۹۴-۱۶۶۷م) انجام گرفت. به این ترتیب دهلیز جلو شبستان تبدیل به مقبره‌ای گردید که به جای در، پنجره‌ای به حیاط داشت و به همین جهت ورود به داخل بقعه از جانب حیاط و در ورود اصلی دیگر ممکن نبود و تنها از عقب بنا می‌توانستند بدانجا راه یابند. این نقیصه را شاه سلطان حسین جانشین شاه سلیمان اصلاح نمود. بدین ترتیب که سردر جدیدی پهلوی سردر قدیمی با یک ردیف اتاق در امتداد بدنه شرقی بنا احداث کرد. این اتاقها در حکم دالانی شد که به رواق پشت مرقد منتهی می‌گردد.

کتیبه‌ها و نوشته‌ها

سردر اصلی درب امام که مشرف به صحن شمالی است، جزو

یکی از شاهکارهای هنر کاشیکاری به شمار می‌آید. به سال ۸۵۷ هجری در زمان حکومت امیرزاده جهانشاه ساخته شده است. صنعت کاشیکاری به کار رفته در این بنا را می‌توان با کاشیهای مسجد کبود تبریز^{۱۶} مقایسه نمود. در کتاب آثار ایران^{۱۷} نوشته شده است:

«اگر هیأت و ترکیب این سردر چندان کامل نیست و تنها سردری مانند دیگر سردرهای آن زمان است اما در مقابل به اندازه‌ای متناسب و موزون ساخته شده و طرح تزیینات و رنگ‌آمیزیها و ظرافت کار آن به حدی کامل است که از هیچ بنای دیگری در این صنعت (شاید به جز مسجد کبود تبریز که آن نیز در زمان سلطنت جهانشاه ساخته شده است)، بیش از سردر مزبور نمی‌توان لذت برد. این سردر یکپارچه جواهر خالص است.»

کتیبه تاریخی این سردر به خط ثلث است. بخش آخر آن که تاریخ بنا نیز در آن قسمت نوشته شده بود به کلی از میان رفته، متن زیر سمت راست و وسط کتیبه نوشته شده است:

* داخل گنبد کوچک درب امام اطاقی است به شکل مربع، سقف اطاق دارای مقرنسهای گچی طلاکاری و پنجره گچ‌بری است و آزاره‌ها از کاشی‌های بسیار نفیس طلاکاری شده پوشیده شده است.

«در زمانی که والی و لایه عظمی و حاکم حکومت کبری پادشاه جهان‌پناه ابوالمظفر امیرزاده جهانشاه خلدالله خلافت حکومه این ولایه با ایاله و اشاره شاه زاده عالم مؤید قواعدالدین الاحمدی ابوالفتح محمدی خلدالله سلطان مفوظ فرموده بود امیراعظم اعدل معدن العز و الجاه جلال‌الدین صفرشاه زادالله دولته...»

در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان^{۱۸}، بخش آخر کتیبه به شرح زیر نوشته شده است:

«...در بنای این بقعه رفیعه و عمارت منیعہ طلباً لمرضاة الله اهتمام به کار داشت فی شهور سنه سبع و خمسين و ثمانمائه.»

در وسط کتیبه نام (ابوالفتح محمدی)^{۱۹} به رنگ طلایی نوشته

شده است:



فیها مزار السیدین السننیدین امامزاده ابراهیم بطحا وامام زاده
زین العابدین به امر نواب الخاقان بن خاقان اعظم السلاطین
الصفویة المسفورة فی الفوق کتبه الفقیر عبدالرحیم^{۲۲} فی ۱۱۲۹»
داخل گنبد بزرگ درب امام هیچ نوع کتیبه‌ای وجود ندارد.
دیوارها و سقف با نقاشی گل و بوته تزیین شده است.
داخل گنبد کوچک درب امام که اطاقی است به شکل مربع،
سقف اطاق دارای مقرنسهای گچی طلاکاری و پنجره گچ بری است
و ازاره‌ها کاشی‌های بسیار نفیس طلاکاری شده پوشیده شده است.
در قاعده گنبد کتیبه‌ای در دوسطر وجود دارد که سطر اول به
خط کوفی طلایی رنگ و سطر دوم به خط ثلث است.

در سطر اول خط کوفی بر زمینه کبود، جملات زیر نوشته شده:
«یا سبحان، یا حنان، یا منان، یا برهان، و در سطر دوم به خط
ثلث بر زمینه کبود اشعار زیر نوشته شده است:

نظام یافت به نام خدای عالمیان
عمارتی که بود رشک روضه رضوان
به نزد طاس زر اندود و چتر این گنبد
مرفعی است کعبود این رفیع شادروان
زرشک شمسهای این هشت طاق و نه منظر
چو ذره شمس خورشید گشته سرگردان

نهاده صبح بدین سبزه سپهر ز مهر
برای زینت این بقعه جام جاویدان
به یمن همت زین العباد و دولت شاه
بهشت روی زمین گشت ملک اصفاهان

به عهد مهمل جهانشاه آن ابوالفتحی
که کرد نام خدایش محمدی سلطان
بروج قصر جلالش از آن رفیع تر است
که تیر وهم رسد بر وی از کمان گمان

اجل به دست خودش داد تیغ و زد بر پای
کسی که کرد سرافراز شمس عالمیان
اگر زدنایی دون شمس الدین محمد رفت
جلال میر صفر شاه باد در دوران
تسمام گشت به فصل مفتوح الابواب

به سال هشتصد و پنجاه و هفت این بنیان^{۲۳}

قسمت بالای کتیبه فوق پنجره مشبک کاشیکاری نصب شده که
در حاشیه آن به خط ثلث حنایی رنگ، اشعار زیر نوشته شده است:
کتابه ایست بدین دور گنبد افلاک
که پاک باش چو جام و مدار از کس پاک
ز سقف خانه دنیا مجوی نقش وفا
مشو به آمدنش شاد و وز شدن غمناک
ببین به عین بصیرت که آنکه ایوانش

گذشته بود ز کیوان چگونه شد در خاک
و نیز زیر مقرنسهای سردر مزبور به خط ثلث آجری پوسته
شده بر روی کاشی لاجوردی رنگ، دو لوح به شرح ذیل نوشته
شده است:

بماند سالها این کار و ترتیب ز ما، هر ذره خاک افتاده جایی
غرض نقشیست کز ما بازماند که گیتی را نمی بینم بقایی^{۲۰}
سمت راست سردر بنا، سردر دیگری است که مربوط به دوره
شاهسلطان حسین صفوی است و کتیبه آن بیانگر این است که
شاهسلطان حسین برای تعمیر بقعه درب امام و ساختمان رواق
شرقی اقدام نموده است.

کتیبه بالایی به خط ثلث سفید بر زمینه لاجوردی کاشی معرق
به شرح زیر نوشته شده است:

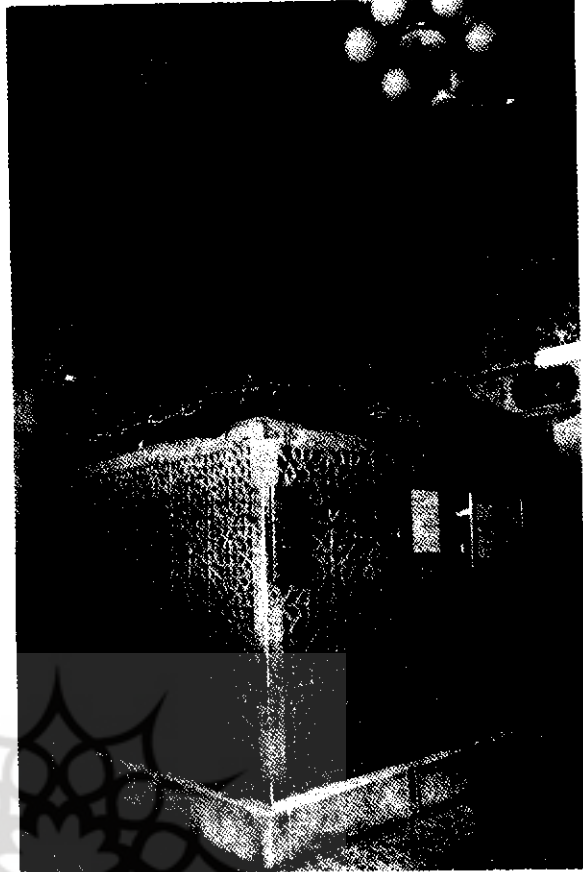
«اقدام هذه العمارة المنورة فی ایام دولة السلطان الاعظم والخابان
الاکرم مروج المذهب الائمة المعصومین علیهم السلام شاه سلطان
حسین الصفوی الموسوی الحسینی بهادرخان خلدالله ملکه»

*** آنچه مسلم است بنای درب امام ، یکی از
زیباترین و کاملترین آثار تاریخی ایران در مجموعه
معماری و کاشیکاری و طراحی و خطاطی است.**

قسمت آخر کتیبه نام «علی نقی ابن محمد محسن الامامی»^{۲۱}
عمل «استاد محمد بن محمد غدیر آجر تراش ۱۱۲۷» نوشته شده
است.

کتیبه زیرین به خط ثلث بر کاشی خشتی در دو سطر نوشته
شده است:

«قد وقع تعمیر هذه البقعة المنسوبة الی مولانا سیدالساجدین الثی



على الاراتك لا يرون فيها شمساً و لا زمهريراً (۱۳)»

قسمت آخر کتیبه با عبارت زیر ختم می شود:

«فی ایام الدولة السلطان الاعظم والخاصان الاکرم ابی المظفر عباس الحسينی الموسوی الصفوی بهادرخان خلدالله ملکه و قد اوفق هذا الداعی غياث الدين محمد الحسينی المستوفی کاتب»
در کتاب گنجینه آثار تاریخی ۲۴ آمده است که عدد ۱۱۰ مفهوم نشده است و احتمالاً این عدد ۱۰۱۰ بوده که برابر با چهاردهمین سال سلطنت شاه عباس اول و تعمیر پوشش خارجی گنبد بوده است.

خطوط بنایی گردنه گنبد در دو سطر با کاشی لاجوردی رنگ بر زمینه آجری به شرح زیر است:

سطر اول جمله الحمدالله تکرار شده و در سطر دوم به خط بنایی سه رگی (لاجوردی - فیروزه‌ای - لاجوردی) سوره (اخلاص) نوشته شده است:

«بسم الله الرحمن الرحيم قل هو الله احد الله الصمد لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفواً احد.»

کتیبه گنبد کوچک درب امام به خط محمدرضا امامی ۲۵ بوده و تاریخ آن ۱۰۸ هجری است.

در کتیبه پایینی گنبد کوچک چنین نوشته شده:

«لمن الملك اليوم لله الواحد القهار»

در حاشیه بالا چندین بار اسم علی (ع) تکرار شده و حاشیه اصلی کتیبه به خط ثلث سفید رنگ بر کاشی لاجوردی خشتی، بعد از عبارت قال الله سبحانه تبارک و تعالی شامل آیه الکرسی است:

«الله لا اله الا هو الحي القيوم لا تاخذه سنة و لا نوم له ما فی السموات و ما فی الارض من ذا الذي يشفع عنده الا باذنه يعلم ما بین ايديهم و ما خلفهم و لا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء و سع كرسية السموات و الارض و لا يؤدّه حفظهما و هو العلی العظيم لا اکراه فی الدين قد تبين الرشد من الغی فمن يكفر بالطاغوت و يؤمن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقى لا انفصام لها و الله سميع عليم الله ولی الذين امنوا يخرجهم من الظلمات الى النور و الذين كفروا اولياؤهم الطاغوت يخرجونهم من النور الى الظلمات اولئك اصحاب النار هم فيها خالدون»

کاشیهای گنبد بزرگ در زمان شاه عباس اول تعمیر شده و آثاری از سه کتیبه آن زمان هنوز بر روی بدنه گنبد باقی است. بانی این اقدام شخصی به نام غیاث‌الدین محمد الحسينی المستوفی بوده است. کتیبه بالایی به خط ثلث سفید رنگ بر زمینه لاجوردی کاشی معرق، نوشته شده که شامل سوره دهر تا آخر آیه سیزده این سوره است.

«بسم الله الرحمن الرحيم هل اتى على الانسان حين من الدهر لم يكن شيئاً مذكوراً (۱) انا خلقنا الانسان من نطفة امشاج نبتليه فجعلناه سمياً بصيراً (۲) انا هديناه السبيل اما شاكراً و اما كفوراً (۳) انا اعتدنا للكافرين سلاسل و اغلالاً و سعيراً (۴) ان الابرار يشربون من كأس كان مزاجها كافوراً (۵) عيناً يشرب بها عبادة الله يفجرونها تفجيراً (۶) يوفون بالنذر و يخافون يوماً كان شره مستطيراً (۷) و يطعمون الطعام على حبه مسكيناً و يتيماً و اسيراً (۸) انما نطمعكم لوجه الله لا نريد منكم جزاءً و لا شكوراً (۹) انا نخاف من ربنا يوماً عبوساً قمطيراً (۱۰) فوقلهم الله شر ذلك اليوم و لقيهم نصرةً و سروراً (۱۱) و جزاهم بما صبروا جنةً و حريراً (۱۲) متكئين فيها

و در آخر، تاریخ اتمام و نام خطاط آن نوشته شده است:

«فی احدى و ثمانین و الف کتبه محمدرضا امامی»

کتیبه صحن شرقی شامل دو ردیف خط بنایی است. ردیف اول به خط بنایی ساده یک رگی (لاجوردی) بر زمینه آجری صلوات بر چهارده معصوم (ع) و ردیف دوم به خط بنایی سه رگی (سیاه - سفید - سیاه) بر زمینه آجری عبارت زیر نوشته شده است. «بسم الله الرحمن الرحيم سبحان الله والحمدلله و لا اله الا الله و الله اكبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم شهد الله انه لا اله هو والملئكة و اولوا العلم قائماً بالقسط.»

در حاشیه پشت بغل کاشیکاری ایوان ورودی صحن شرقی به خط بنایی لاجوردی بر زمینه کاشی سفید، آیه الکرسی نوشته شده است و با عبارت ذیل ختم می شود:

«والصلوة والسلام على محمد المصطفى سيد المرسلين و حبيب اله والعالمين ۱۲۰۶» و نیز تاریخ تعمیر آن به سال ۱۳۲۹ خورشیدی توسط اداره باستان شناسی نگاشته شده است.

مدفونین بقعه درب امام

به غیر از دو امامزاده که راجع به ایشان در بخش پیشین شرح داده شده عده دیگری از بزرگان در صحن و رواق امامزاده مدفونند که برخی از آنان آثار قبرشان از بین رفته است.

از جمله مدفونین: محمود افغان، اسحق بیک عذری شاعر، مهدی بیک شقایق شاعر و میرزا بدیع درب امامی فقیه می باشند. گفته شده که مادر جهانشاه قراقوینلو در این مکان مدفون است در باره او، در کتب تاریخی و سیاسی چیزی نگاشته نشده و اطلاعی در دست نیست.

۱- اما محمود، افغان از طایفه افغانیان غلجائی یا غلزه‌ای بود که پس از مرگ پدر و قتل عموی خود عبدالله بر طایفه غلجائی ریاست یافته، افغانان ابدالی را مغلوب کرد و اسدالله خان پسر عبدالله خان ابدالی سردار ایشان را کشت.

محمود این عمل را در چشم شاه سلطان حسین صفوی و درباریان او به عنوان یک خدمت مهم جلوه داد و رجال بی کفایت دربار صفوی او را به لقب حسین قلی خان ملقب داشتند و با فرستادن یک قطعه شمشیر مرصع وی را به حکومت قندهار سرفراز داشتند. ما بقی داستان محمود را از قلم استاد فقید عباس



اقبال آشتیانی^{۲۶} به شرح زیر بیان می داریم:

«در سال ۱۱۳۳ محمود به قصد تسخیر ایران از راه سیستان خود را به کرمان رساند و آنجا را به دست یابی زرتشتیان شهر گرفت لیکن در اینجا به دست لطفعلی خان والی فارس عم فتحعلی خان وزیر اعظم شکستی سخت خورد و به قندهار گریخت...»

در سال ۱۱۳۴ محمود با عده‌ای کم از افغانان بار دیگر از راه سیستان به سمت کرمان پیش تاخت و پس از تسخیر آن ایالت از راه یزد به طرف اصفهان حرکت نمود و در محل گلون آباد در چهار فرسنگی شرق اصفهان بر سپاه ایران غلبه یافت و توپخانه ایشان را به غنیمت گرفت و بر جلفا و فرح آباد دست یافت. شاه و سپاهیان او در اصفهان محاصره شدند و با اینکه دفاع اصفهان با وجود جمعیت و فراوانی آب زاینده رود در این فصل بهار و آسانی جلوگیری از افغانان در عبور از پلهای رودخانه چندان مشکل نبود، به قدری ترس و ضعف بر حال پادشاهان و درباریان بی خرد او راه یافته بود که جز تسلیم به قضا و قدر و اظهار عقیده به اینکه کواکب اقبال محمود رو به صعود و زوال خاندان صفوی حتمی است به فکر کاری دیگر نبودند.

در این ضمن افغانه بر یکی از پلهای زاینده رود دست یافتند و پایتخت را در محاصره گرفتند و چون قبلاً راه آذوقه را هم بر آنجا بسته بودند. به زودی قحطی در اصفهان بروز کرد و شاه سلطان حسین چاره‌ای ندید جز آنکه در روز جمعه ۱۲ محرم ۱۱۳۵ به



فرح آباد پیش محمود برود و تاج و تخت را تسلیم او نماید. محمود در چهاردهم این ماه به اصفهان آمد و در چهلستون به جای شاه سلطان حسین به تخت سلطنت ایران جلوس نمود.

عاقبت در ۱۱۳۶ به سرسلام مبتلی گردید و کم کم کار او به جنون کشید و حرکاتی از او سر زد که حتی یاران افغان او را نیز متنفر کرد عاقبت در ۱۱۳۷ پسر عمش اشرف او را در اصفهان به انتقام کشتن پدرش عبدالله به قتل رساند و خود جای او را گرفت»
۲- دیگر از افراد معروفی که در بقعه درب امام مدفون است اسحق بیگ عذری است. در باره عذری مرحوم آخوندگزی در تذکره القبور^{۲۷} چنین نوشته است:

«عذری از شعرا، نامش اسحق بیگ بوده وی برادر حاجی لطفعلی بیگ متخلص به آذر بیگدلی مؤلف تذکره آتشکده می باشد در سال ۱۱۸۵ وفات یافته قبرش در ایوان مقبره می باشد. صباحی در تاریخ وفاتش گوید:

از صباحی خواستم تاریخ سال رحلتش

گفت بادا در بهشت جاودان اسحق بیگ

از اشعار اوست:

سر کویی که باشد بی گناهان را پناه آنجا

ستم باشد که ریزد خون چون من بی گناه آنجا

در آن خلوت که جز من ره نجستی اندر آن اینک

به تقریب پیام غیب غیر باید برد راه آنجا

۳- مهدی بیگ شقاقی، شرح حال مهدی بیگ شقاقی در تذکره

اختر^{۲۸} چنین نوشته شده:

«مهدی بیگ به اسم تخلص می کند، از طایفه شقاقی من ایلات آذربایجان نظر به فطرت اصلی به کسب کمالات و به شعر و شاعری پرداخته، از فنون شعری به قصیده گویی مایل.

در اواسط زندگانی از وطن حرکت و به عراق عجم (ایران مرکزی) آمده به مداحی حکام و سلاطین مشغول، هر چندی در بلدی می بود. صحبتش مکرر اتفاق افتاده، در قصیده گویی طبع قادری داشت. از شعرای مشهور و فصحای معروف عهد خود بود. بالاخره در اصفهان به سال ۱۲۱۴ هجری قمری در عالم مستی رخت از کارخانه هستی بر بسته و در همان خاک مدفون گشت.

بالجمله آنچه مشخص شد پنج شش هزار بیت شعر داشته

نسخه ای از وی نمانده گویند شخصی مسوده اشعار او را از ملازم

او خریده و از میان برده که مشخص نشد کیست.»

و نیز رضاقلی خان هدایت در مجمع الفصحا^{۲۹} شقاقی را چنین

معرفی نموده است:

«مهدی بیگ شقاقی مدتها در بلاد ایران خاصه کردستان مداحی

کردی و با هر ساده باده خوردی و مردم را به هجا آزرده بی میالاتی

آن شاعر خراب خراباتی، مشهور است. در سنه ۱۲۱۴ در عراق

درگذشت. طبع خوشی داشته ولی اشعار را نگاشته از هر جایی

شعری پیدا کرده نگاشته می شود.

من قصائده فی المدح

گشاده دست کرم در زمانه چون آبی

بریده پای ستم از میانه چون اجداد

به عهد او که ز عدلش زمان بود معمور

به وقت او که زدادش زمین بود آباد

نهفته پای تعدی به زیر دامن جور

کشیده دست تطاول به آستین بیداد

فقیر هست در آن شهر لیک افسرینخش

گدای هست در ملک لیک شاه نژاد
۴- حاج میرزا بدیع، در باره حاج میرزا بدیع درب امامی در تذکره القبور چنین نوشته شده است:

«حاج میرزا بدیع درب امامی واقعا بدیع الزمان بود. در کمال فقر به وضع پاکیزگی و استغنا و در دو مسجد طرفین بازارچه و زیر قرب درب امام، امامت می نمود. خواص و مقدسین حتی از محله های دور حاضر، همه صبح و شبهای تعطیل به منبر و مسایل و مواعظ خیلی سهل و روان پرفایده خیلی شوخیهای ملیح در منبر و غیر منبر داشت. طبع شعر خوبی اطلاع و حفظ تامی در اشعار و تواریخ و اخبار و مدرس مدرسه نیماورد بود به خصوص در قوانین و شرح لمعه استاد و شرح کبیر و فرائد و متاجر را تدریس می نمود. اغلب فضلا و علمای عصر که اصفهان آمده از شاگردان ایشانند.

حواشی بر قوانین نوشته، اجزایی در فقه در خراج و مقاسمه و غیر آن و در حسن خلق و اخلاق کامل ممتاز، از شاگردان مرحوم آقا میرسید محمد شهشانی و مرحوم حاجی ملاحسینعلی و مرحوم حاجی شیخ محمدباقر و مجاز از حاجی و شیخ و دیگران از علما، وفات او عصر جمعه ۲۱ شعبان سنه ۱۳۱۸»

بناهای دیگری که از ترکمانان در اصفهان به یادگار مانده است.

به غیر از درب امام که در دوره فرمانروایی جهانشاه قراقوینلو بنا گردید، نیز از دوره حکمرانی ترکمانان در اصفهان به یادگار مانده است که عبارتند از: بقعه شهشهان و آرامگاه شاه علاءالدین محمد، بقعه و خانقاه شیخ ابومسعود رازی و سردر زاویه درب کوشک (باب القصر) که در باره هر کدام توضیحی به شرح زیر داده می شود:

۱- بقعه شهشهان و آرامگاه شاه علاءالدین محمد

یکی از بناهای متبرکه اصفهان، بقعه شهشهان (شاه شاهان) است که دارای مدرسه و حسینیه می باشد. در این بقعه علاءالدین محمد که از اجله سادات اشراف و نقبای اصفهان بوده مدفون گردیده است. با توجه به وقفنامه بقعه (۲۲ ربیع الاول ۸۵۲) و تاریخ قتل شاه علاءالدین محمد (رمضان ۸۵۰ هـ) تاریخ ساختمان بقعه بین ۸۵۰ تا ۸۵۲ هجری می باشد. داخل و خارج بقعه با

تزییناتی از نوع گچ بری و کاشیکاری آراسته گردیده است.

۲- بقعه و خانقاه شیخ ابومسعود رازی

شیخ ابومسعود احمدبن فرات رازی از بزرگان و محدثین قرن سوم هجری است. در اصفهان اقامت گزید و در محلی که امروزه بقعه آرامگاه وی قرار دارد، در آن قرن خانقاه بزرگی بوده که به ارشاد و هدایت مردم می پرداخته است. بقعه وی در محل (شیخ ابومسعود) که آن را محله (در شیخ) نیز می نامند، واقع شده. جز

*** دو امامزاده درب امام که یکی را امامزاده ابراهیم طباطبایی از نبیره های حسن مثنی و دیگری را سیدعلی ملقب به زین العابدین و اولاد علی بن جعفر عریضی می خوانند. گویند قبر مادر امیرجهانشاه در آن محل است که در کتیبه بیرون مقبره نام امیرجهانشاه را نوشته اند.**

بقعه و سردر کاشیکاری آن چیز دیگری باقی نمانده است. کتیبه آن حکایت می کند که در دوره حکومت سلطان یعقوب آق قوینلو فرزند حسین بیگ ترکمان شخصی به نام محمدبن جلال الدین عرشاه این بقعه و سردر را از سرمایه خاص خود بنا نموده است.

۳- سردر زاویه درب کوشک (باب القصر)

سردر زاویه درب کوشک که مربوط به سال ۹۰۲ هجری از دوره حکمرانی ابوالمظفر رستم بهادرخان آق قوینلو است تا سالهای اخیر در جای اصلی خود (محله درب کوشک) قرار داشته است و چون نزدیک به انهدام و ویرانی بود، در باغ چهلستون سردر دیگری بنا شد و کاشیهای نفیس آن را به سردر جدید انتقال دادند و نصب نمودند. چنانچه از کتیبه سرد مشاهده می شود، حاکی از آن است که زاویه درب کوشک و مقبره مجاور آن در دوره حکمرانی رستم بهادرخان آق قوینلو به وسیله شخص مشهوری به نام زین الدوله و سعاده الدین علی بیگ برنا بر تربت پدر او بنا شده. کتیبه سردر به خط معین مثنی مورخ ۹۰۲ هجری می باشد.

علت آسیبهای وارده بر کاشیهای مجموعه درب امام

در این فصل ابتدا علل و عوامل آسیبها بیان می شود سپس



علت آسیبهای وارده بر کاشیها در مجموعه درب امام مورد بررسی قرار می‌گیرد. بخش پایانی شامل گزارش تعمیرات و مرمت بقعه درب امام توسط سازمان میراث فرهنگی است.

علت آسیبهای به طور کلی شامل عوامل بیرونی و درونی است که به ترتیب زیر بیان می‌گردد.

الف: عوامل بیرونی

- ۱- عوامل جوی مثل باد، باران، برف، تگرگ، بخار آب، رطوبت هوا، سرما و گرما، رعد و برق، نور آفتاب و آلودگی گرد و خاک.
- ۲- زمین لرزه، سیل، طوفان.
- ۳- ارتعاش و انفجار و لرزشهای به طور طبیعی و غیرطبیعی
- ۴- آتش سوزی
- ۵- عوامل ناشی از صنعتی شدن شهرها
- ۶- پرندگان
- ۷- عوامل انسانی
- ۸- عوامل فیزیک و شیمیایی مثل نمکها، اکسیداسیون و غیره.

ب: عوامل درونی

- ۱- عوامل مربوط به معماری
- ۲- ضایعات تکنیکی، مرمت غلط و مصالح نامرغوب
- ۳- رطوبت داخلی، نمکها
- ۴- عوامل بیولوژیک (حیوانی، انسانی و گیاهی)

ضایعات وارده بر کاشیهای مجموعه درب امام

با توجه به بررسی عینی بنا می‌توان نتیجه گرفت که ضایعات حاصله ناشی از عوامل زیر است:

باد، باران و برف، سرما و گرما، رطوبت، مرمت غلط، ضایعات ساختمانی و آسیبهای انسانی.

- ۱- باد: نیروی باد همراه با ذرات شن و گرد و خاک موجب سائیدگی تدریجی کاشی و نیز جدا شدن برخی از کاشیهای گنبد گردیده است.
 - ۲- باران و برف: زیانهای ناشی از باران و برف بر سطوح کاشیکاری متعدد است که قسمتی از آنها در زیر بیان می‌شود.
- ملاط بین کاشیها در اثر نفوذ آب باران و برف استحکام خود را به تدریج از دست می‌دهد و همین امر موجب ریخته شدن ملاط بین کاشی می‌گردد.

برآمدن و ریزش کاشیها نیز در اثر نفوذ آب باران و برف است.

بدین ترتیب که آب باران نفوذ کرده، موجب ازدیاد حجم در ملاط شده در نتیجه کاشی طبله می‌کند همچنین آب حاصل از باران در اطراف ناردانها و دیگر آبروها در ارتفاعات بالا ملاطهای آجر و کاشی را شسته و حل نموده و به اطراف سرایت کرده است.

۳- سرما و گرما: سرما و گرما، دو پدیده جوی هستند که از عوامل آسیب‌رسانی به کاشیها می‌باشند. این عوامل مسأله انقباض و انبساط را در کاشی پدید می‌آورند. روز به علت گرمای ایجاد شده توسط خورشید مواد منبسط و در شب به علت گرما و نبودن خورشید لعاب کاشی منقبض می‌شود.

۴- رطوبت: رطوبت یکی از مهمترین عوامل مخرب است و زیانهای ناشی از آن در ارتفاعات پایین بنا بیشتر دیده می‌شود. این بدان علت است که آب باران و غیره طبق معمول در پی‌ها و دیوارها توسط لوله‌های موین مصالح، به بالا کشیده می‌شود.

۵- مرمت غلط: یکی از نکاتی که در مرمت‌های گذشته به چشم می‌خورد و به وضوح آشکار است ترمیم و تعویض کاشیهایی است که در ازاره داخل گنبد کوچک به عمل آمده است کاشیها غیرهمرنگ و ناهماهنگ با اختلاف بسیار زیاد در مقایسه با سایر بخشهای جانبی است.





روی نعلی درگامی و نصب درب چوبی سردر کاشیکاری، تعمیرات گچکاری و بندکشی کاشیها با گچ پشت گرمایی، تمیز کردن گرد و غبار و گل و لای از روی کاشیها. اتمام بازسازی جووکهای ریخته شده گنبد فیروزه (کاشی نره) تثبیت و تحکیم کاشی، نصب و بازسازی پنجره چوبی به شیوه سنتی و تحکیم آن با گچ در قسمت صحن شرقی قسمت شمال غربی (طبقه اول).

صحن شرقی سردر ورودی به بقعه: گچکاری قسمتهای پایین دوال گچی، موزون سازی رنگی تعمیرات سردر کاشیکاری جبهه شمالی و سردر مقرنس کاری اطراف راست همین سردر. **سردر مقرنس کاری گچی:** برداشت گچهای اضافی از روی مقرنس کاریها، بازسازی مقرنس کاریها به شیوه سنتی، موزون سازی رنگی مقرنس کاریها، کارهای تعمیراتی قسمتهای پایین دوال این سردر.

سردر کاشیکاری شمالی بقعه (دارای تزیینات کاشیکاری معرق اصلی): کارهای تعمیراتی بندکشیها با گچ پشت گرمایی، تمیز کردن گرد و غبار و گل و لای از روی کاشیها بازسازی قسمتی از جووکهای ریخته شده سردر کاشیکاری شمالی و سردر گچی در قسمت غرب همین سردر، برداشتن گچهای اضافی از روی مقرنس کاریها، تحکیم قسمتی از مقرنس کاریهای درحال ریزش، تثبیت لایه های اصلی رنگی، بازسازی گچی قسمتهای ریخته شده، نصب یک عدد حایل چوبی در قسمت پایین سردر کاشی به منظور جلوگیری از ورود اشخاص متفرقه و خراب کردن کاشیها، تحکیم و تثبیت کاشیهای سردر با مختصر مداخلات تعمیراتی استحقاقی، تثبیت طلاکاریهای این سردر با محلول رقیق پارالوئید تینر.

انجام سایر تعمیرات اساسی و جزئی در محلهای مورد نیاز شامل: دهانه های قسمت غربی و شمالی صحن شمالی بقعه (تجدید اندود کاهگل روی غرفه های شمالی و قسمتی از غرفه های جنوبی و شیب بندیهای لازم جهت رد کردن آب باران) تعمیرات سردر دیوارها با گچ، نصب ناردانها.

اطاق کوچک شمالی بقعه مرکزی: برداشتن لایه گل سفید از روی لایه های رنگ اصلی تثبیت و موزون سازی رنگها از قسمتهای تمیز شده، تثبیت و تحکیم کاشیهای شش ضلعی ازاره والصاق مجدد آن.

۶- آسیبهای ناشی از ضایعات ساختمانی: غیر از ایوانهای صحن غربی که نیاز به تعمیرات اساسی دارد، ترکها و شکافهایی نیز در بعضی از قسمتهای بنا دیده می شود که احتمالاً از عارضه هایی چون نشست پی و جرزها، فشار بار وارده و عوامل دیگر می باشد.

۷- ضایعات انسانی: نصب آگهی ها که مکرر چسبانده می شود، منجر به کندن قسمتی از لعابها، ریختن ملاط اطراف و بی رنگ شدن نقوش و خطوط گشته است. کوبیدن میخ در داخل و اطراف کاشیها، در آوردن ملاط کاشی با استفاده از اشیای نوک تیز مثل کلید و غیره، آویزان نمودن سیمهای برق، استفاده از قسمتهای زیادی از بنا به عنوان انبار اشیاء که نه تنها خساراتی به تزیینات بنا وارد می کند، بلکه از جلوه فضاها و سطوح تزیینی می کاهد.

در خاتمه باید یاد آورد شد که بنای مزبور، در طول جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به خاطر نزدیک بودن به محل انفجار راکت بی تأثیر از لرزه ها و ارتعاشات حاصل از انفجار نبوده است.

*** سردر اصلی درب امام که مشرف به صحن شمالی است جزو یکی از شاهکارهای هنر کاشیکاری به شمار می آید که به سال ۸۵۷ هجری در زمان حکومت امیرزاده جهانشاه ساخته شده است. صنعت کاشیکاری به کار رفته در این بنا را می توان با کاشیهای مسجد کبود تبریز مقایسه نمود.**

گزارش تعمیرات و مرمت بقعه درب امام

سردر شرقی (مقرنس کاری - نقاشی): تزریق و تحکیم ترکهای روی مقرنس کاریها ناشی از ضعفهای معماری و فشار. گچ کردن ترکها و سایر قسمتهای کمبود، برداشتن قطعاتی از مقرنس کاریها (طاسها و پا باریک ها در حال ریزش بوده است، تحکیم و تزریق قسمتهای زیرین آن، نصب مجدد قسمتی از قطعات برداشته شده، موزون سازی رنگی در حاشیه های دو سانتی با رنگ آبی کمرنگ، بازسازی طاسها و پاباریک ها با رنگ لعابی (گل سفید). آهن کشی



پی نوشت

- ۱- جهانشاه قراقوینلو فرزند قراپوسف، مدت سی و سه سال سلطنت کرد. دوستدار شعر و موسیقی بود و اشعاری با تخلص (حقیقی) می سرود. در سن ۷۲ سالگی به دست سواران حسن بیگ آق قوینلو کشته شد. جسدش را به تبریز بردند و در عمارت مظفریه (مسجد کبود) دفن کردند. در مورد جهانشاه قراقوینلو، در صفحات آینده به تفصیل سخن خواهیم گفت.
- ۲- محمد جلال الدین صفرشاه: این شخص در زمان جهانشاه قراقوینلو به فرمان وی در اصفهان حکومت می کرد.
- ۳- میزان الانساب تألیف میرزا هاشم چهارسوقی به انضمام مقدمه و حواشی به قلم میرسید احمد روضائی چهارسوقی. صفحه ۴۶ و ۴۷.
- ۴- تذکرة القبور، سیدمصالح الدین مهدوی، ۱۳۴۸ صفحه ۳۱۸.
- ۵- تاریخ اصفهان و ری و همه هجدها به قلم: حاج میرزا حسن خان شیخ جابری انصاری مهر ۱۳۲۱، صفحه ۲۴۹.
- ۶- صاحب تذکرة القبور، ابراهیم طباطبایی را فرزند امامزاده اسماعیل بن زیدبن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب مدفون در اصفهان معرفی کرده می نویسد: پدرش همان است که در تهران مدفون می باشد. و وی پدر جناب ابراهیم طباطبایی، جد سادات طباطبایی می باشد. آخوند گزی، تذکرة القبور، چاپ دوم تصحیح مرحوم سیدمصالح الدین مهدوی ۱۳۲۸، ص ۱۷۸.
- ۷- تاریخ مفصل ایران، عباس اقبال، صفحه ۶۴۵، به کوشش محمد دبیر سیاقی ۱۳۴۶.
- ۸- این مقاله ترجمه بخشی از کتاب امیر نشینهای آناتولی و دولتهای قراقوینلو و آق قوینلو اثر پروفسور اسماعیل حقی اوزون چارشلی است. مجله تحقیقات تاریخی ۵-۴ مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه) بهار و تابستان ۶۹.
- ۹- شاه عباس اول معروف به شاه عباس کبیر فرزند سلطان محمد صفوی (معروف به خدا بنده) فرزند شاه طهماسب اول فرزند شاه اسماعیل سر سلسله خاندان صفوی است. مادر وی خیرالنساء بیگم دختر میرعبدلله خان والی مازندران بوده است و نسبت او به سیدقوام الدین مشهور به میر می رسد. شاه عباس به ۹۷۸ هجری قمری در شهر هرات مرکز حکومت خراسان متولد شد و در ۹۸۰ به سن یک سال و نیمی به میرزایی هرات رسید و به سال ۹۹۶ هجری

- قمری در سن شانزده سالگی به امر سلطنت جلوس نمود.
- ۱۰- میرزا غیاث الدین محمود (یا محمد) حسینی شهرستانی اصفهانی فرزند یوسف مستوفی الممالک ایران بزرگ زمان شاه تهماسب و شاه عباس اول وزیر دارالسلطنه اصفهان می باشد.
- ۱۱- شاه سلطان حسین صفوی فرزند شاه سلیمان و نواده شاه عباس ثانی است. سال جلوس ۱۱۰۵-۱۱۳۵.
- ۱۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، تألیف دکتر لطف الله هنرفر، چاپ دوم، مهر ۱۳۵۰.
- ۱۳- شیخ جابری انصاری در باره مسجد سعیدبن جبیر می نویسد: دیگر از مساجد کهن، مسجد منسوب به سعیدبن جبیر است. مساحتش بیش از یکصد متر است که در آن صحن باز می شود و بنای اصلی آن پس از مسجد امامزاده اسماعیل و قسمتی از جامع، کهن تر از دیگر مساجد بوده است. سعید در سال ۸۱ هجری همراه با عبدالرحمن اشعری به اصفهان آمده و رحل اقامت انداخته و در این محل عبادت می نموده. نقل از کتاب اصفهان ری و همه جهان. مهر ۱۳۲۱، صفحه ۲۴۸.
- ۱۴- آثار ایران - به تصحیح و تجدید علی پاشا صالح - جلد دوم - جزوه اول ۱۳۱۸ خورشیدی.
- ۱۵- شاه سلیمان صفوی: هشتمین پادشاه صفوی جلوس ۱۰۷۷ ه.ق، پس از شاه عباس دوم پسر بزرگش صفی میرزا به نام شاه سلیمان بر تخت نشست و ۲۹ سال سلطنت کرد. فرهنگ فارسی دکتر معین جلد ۱۵ اعلام، صفحه ۷۹۶.
- ۱۶- مسجد کبود، با ساختمانها و ملحقات زیادی از قبیل خانقاه و صحن حوضخانه و کتابخانه مجموعاً مظفریه نامیده می شده که اکنون خانقاه و کتابخانه مقبره آن از میان رفته است، بعضی از دانشمندان و مورخان از جمله عالم معروف قرن نهم- دهم هجری قاضی امیرحسین میبیدی، بنای این عمارت را به صالحه خاتون دختر جهانشاه بن قراپوسف نسبت داده اند، چنانکه قاضی مزبور بعد از تعمیر مظفریه به امر سلطان یعقوب آق قوینلو، در یک از منشات خود می نویسد: گسترده شدن این سقف و استواری این خانه زیبا در روزگار پادشاه بزرگ ابوالمظفر یعقوب بهادرخان که خدا پادشاهی او را جاویدان دارد، اتفاق افتاد و این نسبت جز از کارهای نیک صالحه خاتون دخت خاقان مطاع سلطان جهانشاه.



- ۱۷- آثار ایران، تصحیح و تجدید نظر علی پاشا صالح، جلد دوم، جزوه اول، ۱۳۱۸ خورشیدی.
- ۱۸- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، تألیف دکتر لطف‌الله هنرفر، چاپ دوم، مهر ۱۳۵۰.
- ۱۹- مؤلف آثار ایران می‌نویسد: ابوالفتح همان کسی است که بر روی مسکوکاتش نام محمد سلطان ذکر گردیده و از سال ۸۵۰ تا ۸۵۵ بر اصفهان فرمانروایی کرده و در کتیبه بنیاد شبستان زمستانی (بیت‌الشتا) مسجد جامع، اسم او دیده می‌شود. لکن این شخص پادشاه بوده نه حاکم اصفهان و به علاوه در سال ۸۵۵ هجری یعنی پیش از اینکه جهان‌شاه شهر اصفهان را بگیرد، بدرود جهان گفته است. بنابر این چگونه نام هر دو به ترتیب فوق در یک کتیبه جمع شده است؟ این امر تقریباً محال به نظر می‌آید و مدت مدیدی باعث وقفه بررسی‌های نویسنده در این موضوع گشته بود. با این وجود با مراجعه به تاریخ محمدسلطان شاید بتوان این مطلب را توضیح داد. این شخص پسر بایسنقر و نواده سلطان شاهرخ است که حکمرانی عراق عجم به او واگذار شده بود. بر طبق مندرجات شرفنامه در بهال ۸۵۰ هجری، کمی پیش از مرگ سلطان شاهرخ تیموری علم طغیان برافراشته مدعی جانشین‌جوش شد. در سال ۸۵۳ هجری پس از قتل‌الغ بیک که مملکت خراسان به تملک برادر کوچکش بابر میرزا در آمد، آتش‌کینه در دل محمد سلطان شعله‌ور شد و تصمیم گرفت این استان و هرات پایتخت واقعی تیموریان را متصرف شود. جاه‌طلبی خود محمدسلطان و حسن‌انزجاری که در نتیجه تحمیلات بابر میرزا و میگساری وی در مردم تولید شده بود و مسلماً نفوذ یکی از برادران دیگر بابر موسوم به علاءالدوله که مورد ظلم و ستم بابر واقع گشت و به اصفهان پناهنده شده بود محمد سلطان را وادار کرد تن به قضا داده به آهنگ فتح تردیدآمیز خراسان وارد میدان مبارزه شود. شاید در این موقع باشد که بین جهان‌شاه که در آذربایجان سلطنت می‌کرد و محمد سلطان ترتیب صلحی داده شده که به اصطلاح امروزه قرارداد عدم‌تهاجم گویند. بدون شک محمدسلطان ترجیح داده است اسماً خود را تابع جهان‌شاه بداند تا در موقع لشکرکشی به خراسان، از طرف جهان‌شاه خاطرش آسوده و بیم آن را نداشته باشد که به قلمرو او دست‌اندازی نماید. حقیقت امر هم این است که پس از محمد سلطان که در سال ۸۵۵ هجری به دست بابر میرزا کشته شد. جهان‌شاه اصفهان
- را تسخیر کرد. آثار ایران- تصحیح و تجدید نظر علی پاشا صالح- جلد دوم، جزوه اول، ۱۳۱۸ خورشیدی، صفحه ۴۱-۴۰.
- ۲۰- شعر از سعدی است.
- ۲۱- علی‌نقی‌بن محمد محسن امامی، فرزند محمد محسن امامی و وی نیز فرزند محمد رضا امامی بوده است. که همگی خطاط و از مردم اصفهان و از جمله مفاخر هنری ابن سامان بوده‌اند. لغت نامه دهخدا جلد ۳، صفحه ۳۰۳.
- ۲۲- عبدالرحیم جزایری، از خوشنویسان معروف اواخر عهد صفویه است. برخی از خطوط مدرسه چهارباغ (امام جعفر صادق، کنونی) که به خط ثلث جلی و نستعلیق نوشته شده است، از نوشته‌های اوست که کار آن از سال ۱۱۰۴ شروع و تا تاریخ ۱۱۲۳ ادامه داشته است.
- ۲۳- آن کتیبه که تاریخ آن ۸۵۷ هجری است، پس از مرگ محمدسلطان و بعد از فتح اصفهان توسط جهان‌شاه احداث گردیده است. نقل از کتاب آثار ایران تصحیح و تجدید نظر علی پاشا صالح، جلد دوم، جزوه اول ۱۳۱۸ خورشیدی صفحه ۴۱.
- ۲۴- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، تألیف دکتر لطف‌الله هنرفر، چاپ دوم، مهر ۱۳۵۰.
- ۲۵- محمد رضا امامی، خطاط هنرمند که با محمد صالح خطاط اصفهانی در خدمت علی‌رضا تبریزی تربیت شده‌اند و آثاری از او که در اصفهان از سال ۱۰۳۸ در مسجد شاه (امام کنونی) شروع شده و به ۱۰۸۱ در باب امام خاتمه یافته، موجود می‌باشد. بنابر این وی به مدت ۴۲ سال استاد خط در اصفهان بوده است همچنین محمد رضا امامی امام‌الخطاطین نیز لقب داده‌اند. نقل از تذکرة القبور- آخوند گزی- صفحه ۴۱۲.
- ۲۶- تاریخ مفصل ایران، تألیف: عباس اقبال آشتیانی، به کوشش دکتر دبیر سیاقی صفحه ۷۰۴-۷۰۷ چاپ خیام، ۱۳۴۶.
- ۲۷- تذکرة القبور یا رجال اصفهان تألیف ملا عبدالکریم گزی با حواشی و ملحقات مرحوم سید مصطفی‌الدین مهدوی، چاپ دوم ۱۳۲۸-۱۳۶۹ صفحه ۱۸۷.
- ۲۸- تذکرة اختر، تألیف احمدگرگی نژاد تبریزی متخلص به اختر، جلد اول به کوشش دکتر خیام پور، ۱۳۴۳ صفحه ۱۸۰-۱۷۸
- ۲۹- مجمع الفصحی، تألیف رضاقلی‌خان هدایت، به کوشش مظاهر مصفا، جلد ۶، ۱۳۴۰.